فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و سوم. تابستان ۱۳۹۷، صص۳۳۵-۳۱۹ Vol 2. No 23. 2018, p 319-335
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

واکاوی کیفر تبعید از بعد اقتضاء زمان و مکان

حسن بیگ محمدی[۱]. حمزه رضایی[۲]

۱. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام. ایران

وکیل پایه یک دادگستری

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی. مدرس دانشگاه

h.rezaii98@gmail.com

چکیده

تبعید در لغت به معنای دور کردن، راندن (از شهر و جائی) و نفی بلد می‌باشد .تبعید در اصطلاح یعنی بیرون راندن کسی از شهر یا آبادی معین به نقطهٔ دیگر از کشور است که غالباً به صورت اقامت اجباری در نقطهٔ معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین اعمال می‌گردد. کیفر تبعید یکی از مجازات‌هایی پذیرفته شده در شرع مقدس اسلام است. شارع مقدس در مورد جرایم خاص اعمال این کیفر را بر علیه مرتکب آن جرایم واجب دانسته است. دین مقدس اسلام برای هر کدام از جرائمی که در سطح جامعه صورت می‌گیرد، کیفرهای خاصی را در نظر گرفته است. اصولاً یکی از مباحث مهم فقهی که فقهاء و حقوقدانان در کتاب‌های خود به کرات به آن پرداخته اند بحث حدود و تعزیرات است. هدف شارع مقدس از وضع این مجازات‌ها در درجه اول این است که تا آنجا که ممکن است جلوی ارتکاب جرائم را بگیرد، به عبارت دیگر هدف اصلی شارع مقدس از وضع مجازات‌ها برای جرایم، جنبه بازدارندگی آن است یعنی افراد جامعه بدانند که در صورت ارتکاب جرم، مجازات سنگینی را تحمل خواهند نمود لذا فکر تحمل کردن چنین مجازاتی آنها را از ارتکاب جرم باز می‌دارد. لذا ما در این مقاله بر آن بوده ایم که این کیفر را با توجه به قوانین کیفری به طور کامل بررسی و همچنین به چگونگی اعمال این کیفر در رویه قضایی بپردازیم.

واژه‌های کلیدی: تبعید، کیفر تبعید، زمان در تبعید، مکان در تبعید، مبنای کیفر تبعید، ماهیت کیفر تبعید

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

مفاهیم

معنای لغوی و اصطلاحی تبعید

تبعید در لغت به معنای دور کردن، راندن (از شهر و جائی) و نفی بلد می‌باشد (معین ۱۳۸۱، ص ۴۳۶).

تبعید کلمه‌ای است عربی که از ریشه بعد است و مصدر متصدی از باب تفعیل است، در زبان عربی در باب مجازات تبعید از دو کلمه نفی و تغریب استفاده می‌کنند. دهخدا لغت تبعید را به معنای دور کردن، دورکردگی، اخراج از بلد و به جای دور فرستادن تعبیر کرده است. معنای دیگر تبعید این است که کسی را از وطنش به جهت جرم سیاسی و غیر آن بیرون کنند که این معنای اخیر برای لفظ تبعید یک معنای جدیدی است که بعد از انعقاد سلطنت مشروعه مشروطه در ایران پیدا شده است. در ترمینولوژی حقوق کلمه تبعید به معنای «بیرون کردن مجرم از محل سکونت یا اقامت یا توقف معنا شده است.» (شمس ناتری ۱۳۹۰، صص ۴۰-۴۴).

تبعید در اصطلاح

همان طور که پیش تر عنوان شد علماء در معنای اصطلاحی تبعید اجماع نظری ندارند، در این قسمت به برخی از معانی اصطلاحی ارائه شده در مورد تبعید می‌پردازیم:

تبعید در اصطلاح یعنی بیرون راندن کسی از شهر یا آبادی معین به نقطهٔ دیگر از کشور است که غالباً به صورت اقامت اجباری در نقطهٔ معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین اعمال می‌گردد (الانصاری، ۱۴۰۵ ق، ص ۱۵۳)

امام شافعی می‌گوید تبعید یعنی دور کردن مجرم به اندازه‌ای که دسترسی به او امکان پذیر باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷ ص ۱۳۸).

ماهیت تبعید به لحاظ مجازات یا اقدام تامینی

در اینکه تبعید مجازات محسوب می‌شود یا اقدام تامینی، بین صاحب نظران حقوق کیفری اتفاق نظر وجود ندارد. به نظر برخی، محاکم، عناصر فاسد را از محیط اجتماع دور می‌کنند نه به خاطر اعمالی که مرتکب شده اند، بلکه به خاطر وحشتی که در جامعه به وجود آورده اند و آن را اقدامی تامینی علیه مجرمان خطرناک می‌دانند و تبعید را مجازات نمی شمارند. اما از برخی جهات به مجازات شبیه است زیرا مانند مجازات اجرای آن باید در نتیجه حکم قضایی باشد. (خامدا، ۱۳۷۲ش، ص۱۱۹) ولی باید گفت که طبق ماده ۱ قانون اقدامات تامینی و تربیتی، اقدامات تامینی نیز باید در حکم دادگاه قید شود و این امر مختص به مجازات نیست. از طرفی تبعید را چیزی جز جانشینی زندان با زندان نمی دانند. طبق عقیده برخی دیگر از حقوق دانان، تامینی بودن تبعید بر ماهیت کیفری آن غلبه دارد. با توجه به خصوصیت طرد کنندگی که در تبعید وجود دارد، می‌توان گفت که اگر اجرای تبعید توام با مراقبت‌های لازم بر تبعیدی باشد، وجه تامینی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

بودن آن بر کیفری بودن آن برتری دارد و در واقع رویه عملی قانون گذار بر این بوده که تبعید را به دو صورت مجازات و اقدام تامینی مقرر کند. (رهامی، ۱۳۷۹، ص ۱۲)در گذشته تبعید بیشتر به صورت مجازات اعمال می‌شد نه اقدام تامینی. برای نمونه پیامبر اسلام شخصی به نام حکم بن العاص را به طائف تبعید کردند به این دلیل که وی با تقلید حرکات، آن حضرت را تمسخر می‌کرد. که در چنین مواردی تبعید رنگ مجازات ندارد، بلکه جنبه تامینی و تربیتی داشته و برای اصلاح و تربیت شخص تبعیدی اعمال می‌شود و در مقابل کاری که انجام داده فرار صورت نمی پذیرد، بلکه اقدامی پیش گیرانه است. علاوه بر این، در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی و بند ۲ ماده ۳ ق. ا. ت. مجازات تبعید از نوع اقدامات تامینی و تربیتی می‌باشد (همان، ص ۱۳) در انتقاد از این نظر بایستی گفت که در ماده ۲۳، تبعید به عنوان مجازاتی تکمیلی است نه اقدامی تامینی، مگر اینکه برای جلوگیری از تکرار جرم و درباره مجرمان خطرناک اعمال شود. بنا بر نظرات مختلفی که در مورد ماهیت تبعید ارائه شد، ابتدا باید روشن شود که مجازات به چه معناست و فرق آن با اقدامات تامینی و تربیتی چیست؟ سپس مشخص خواهد شد که ماهیت تبعید با کدام یک از آن‌ها منطبق است. مجازات کیفری است که در مقابل جرم ارتکابی شخص مجرم و به تناسب آن جرم، بر او اعمال می‌شود. ویژگیهایی که برای مجازات بر شمرده اند عبارتند از: رنج آوری، رسوا کنندگی، معین بودن، قطعی بودن، وجود هراس در مجرم و جبران ضرر و زیان ناشی از جرم. اهدافی که از این ویژگی‌ها محقق می‌شوند عبارتند از: ارعاب، مکافات و سزادهی و اصلاح می‌باشند. (اردبیلی، ۱۳۸۲، صص۱۲۸-۱۳۴)

با توجه به این ویژگی‌های برشمرده مشخص می‌شود که جنبه تنبیهی آن بر جنبه اصلاح و بازسازگاری غلبه دارد و هرگاه تبعید با توجه به اهداف مجازات‌ها، برای ارعاب و سزادهی به کار رود و جنبه رنج آوری و رسوا کنندگی داشته باشد، ماهیت مجازات دارد، مانند تبعید محارب. اما اقدام تامینی و تربیتی طبق ماده ۱ق. ا. ت. تدابیری است که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم«جنحه یا جنایت»درباره مجرمان خطرناک اتخاذ می‌کند. طبق این ماده، مجرمان خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و جرم ارتکابی و کیفیت ارتکاب، آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد، اعم از اینکه قانوناً مسؤل یا غیر مسؤل باشند و صدور حکم اقدام تامینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی که مرتکب جرم گردیده باشد، ویژگی‌هایی که برای اقدامات تامینی و تربیتی بر شمرده اند عبارتند از: فقدان صبغه اخلاقی به این معنا که اقدام تامینی بر خلاف مجازات نتیجه تقصیر و خطا نیست و هیچ تناسبی با قصد خطا کارانه مرتکب ندارد و هدف سزادهی را دنبال نمی کند، نامعین بودن مدت، جلوگیری از تحقیر بزهکار و تجدید نظرپذیری است. (همان، ص۲۷) اهداف این اقدامات، پیش گیری با درمان و بازسازگاری، پیش گیری یا بی اثر ساختن و مراقبت و جانشین کردن مجازات‌ها با اقدامات تامینی و تربیتی است. با تعریفی که از اقدام تامینی و تربیتی ارایه شد، باید گفت که دو عنصر مهم آن جلوگیری از تکرار جرم است که تنها هدف اقدامات تامینی و تربیتی دانسته شده است و همچنین اعمال آن در مورد مجرمان

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

خطرناک می‌باشد که در هر صورت در حکم دادگاه قید می‌شود. با توجه به این تعریف، اگر تبعید صرفاً برای جلوگیری از تکرار جرم و در مورد مجرم خطرناک اعمال شود، ماهیت تامینی دارد، مانند تبعید مجرمان به عادت. بنابراین آنچه ماهیت کیفر تبعید را مشخص می‌کند، هدفی است که از به کارگیری آن حاصل میشود، در صورتی که با اهداف مجازات‌ها منطبق باشد، مجازات می‌باشد و در صورتی که با هدف اقدامات تامینی منطبق باشد، رنگ اقدام تامینی به خود می‌گیرد.

حدی یا تعزیری بودن کیفر تبعید در قوانین جزائی

بنا بر نظر فقهای امامیه تبعید یکی از انواع مجازات‌هایی است که ویژگی مجازات‌های تعزیری را برای تادیب و تحقیر مجرم به کار می‌رود، داراست و علاوه بر اینکه به عنوان مجازات حدی برای جرایم محاربه، قوادی و زنای غیر محصنه مشخص شده است، در این صورت توسط حاکم در جرایمی غیر از جرایم نامبرده، مجازاتی تعزیری محسوب می‌شود. نمونه‌ای از اعمال مجازات تبعید به عنوان تعزیر، تبعید کسی است که با حیوان نزدیکی کرده است و تبعیدی که برای این شخص در نظر گرفته شده است منوط به نظر حاکم می‌باشد و تعزیری است. (نجفی، ۱۳۶۳ ش، ص ۵۹۸). فقهای امامیه و سایر مذاهب، تعزیر را منحصر به شلاق نمی دانند و باب وسیعی را برای آن قائلند که شامل تبعید نیز می‌شود. برخی علماء امامیه، اهل سنت که شافعی و مالکی و احمد حنبل نیز جزء آنان می‌باشند متفقاً کیفر تبعید را کیفری حدی می‌دانند. برای مثال شیخ طوسی فرموده اند که اگر مرد غیر محصن زنا کند او را صد ضربه شلاق زده و به مدت یک سال تبعید می‌کنند. همچنین ایشان تمام مجازات‌های شلاق و تبعید معین شده در اسلام را کیفر حدی دانسته است (بن علی الرازی ص ۹۷).

طبق نظر فقهای امامیه از جمله ابن فهد حلی، تعزیر موکول به نظر امام است که می‌تواند ضرب، حبس، توبیخ باشد و علامه مجلسی نیز حبس را تنها یکی از انواع تعزیر می‌داند. (طبسی، ۱۴۱۶ ق، ص) ۲۵طبق نظر امام خمینی نیز مجازات‌های مختلفی از جمله حبس، تبعید از محل زندگی و تعطیلی محل کسب در اختیار حاکم شرع و نایب او می‌باشد. از مجموع این نظرات این طور برداشت شده که تعزیر، تنها منحصر به ضرب نیست، بلکه اعم از آن است و ملاک در اعمال تعزیر، تحقیر و خواری مجرم می‌باشد و نوع آن منوط به نظر امام و مصلحتی است که در نظر می‌گیرد و تبعید از بارزترین مصادیق تحقیر مجرم است که حاکم در صورت مصلحت یه آن حکم می‌دهد. (همان، ۱۴۲-۱۳۵)

در قانون مجازات اسلامی، مجازات تبعید برای جرایم زنا، قوادی و محاربه به صورت کیفر حدی و اصلی پیش بینی شده است و ماده‌ای که به مجازات تبعید به صورت تعزیری تصریح کند وجود ندارد. (شیخ طوسی ۱۴۱۶ ق، ص ۳۶۸).

عده‌ای هم هستند که قائل به تعزیری بودن کیفر تبعید می‌باشند، از جمله ابو حنیفه و پیروان او که عقیده دارند در مورد اعمال کیفر تبعید علیه مجرمین باید به نظر امام و قاضی توجه کرد، اگر قاضی صلاح دید او

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

را حبس می‌کنند و اگر نظر به تبعید مجرم داد او را تبعید می‌کنند. موصلی از علماء اهل عامه نیز اعمال کیفر تبعید را به خاطر مصلحت می‌داند و می‌گوید که تبعید به عنوان یک مجازات تعزیری بر علیه مجرمین اعمال می‌شود. (صابونی، ۱۴۰۶ ق، ص ۲۹).

کیفر تبعید در قوانین کیفری ایران

تمامی قوانین کشور ایران اعم از عادی و اساسی بر گرفته از شرع و اسلام می‌باشد فلذا این امر که در مورد اعمال مجازات‌ها ارائه شده در قانون مجازات اسلامی به اسلام رجوع شده است امری مسلم و بدیهی است. تبعید مجرمین نیز از این امر مستثنی نیست.

مقنن مسئله تبعید را مد نظر قرار داده است و این مسئله از چنان اهمیتی برخوردار است که اصلی از اصول قانون اساسی به آن اختصاص یافته ایت چنان که در اصل ۳۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ آمده است که هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد و یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع کرد و یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

در قانون مجازات اسلامی نیز در مورد سه جرم مهم مجازات تبعید درنظر گرفته شده است و علاوه بر اینها در ماده ۲۳ این قانون نیز که صحبت از مجازاتهای تکمیلی می‌کند، کیفر تبعید به عنوان یک مجازات تکمیلی در نظر گرفته می‌شود، از طرف دیگر در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی نیز موادی به مجازات تبعید اختصاص یافته است. اقدامات تأمینی و تربیتی به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: اقدامات تأمینی و تربیتی سالب آزادی و اقدامات تأمینی و تربیتی محدود کننده آزادی در صورت پذیرش مورد اول شخص مجرم به عادت در تبعید نگهداشته می‌شود. و مورد دوم شخص از اقامت در محل معین ممنوع می‌شود. بند دوم ماده ۳ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی به بزهکاران که مرتکب جرم اعتیادی اختصاص یافته است. با وجود اینکه قانون اقدامات تأمینی به صراحت از مجرمین به عادت یاد کرده است اما تعریفی از جرم اعتیادی به دست نداده است. همچنین از بزهکار به عادت هم تعریفی روشن و صریح در حقوق ایران وجود ندارد. البته تنها تعریفی که قانون اقدامات تأمینی ابراز داشته و بر اساس آن مجرم به عادت کسی است که به علت ارتکاب جنایت یا جنحه عمدی که به موجب قانون، مجازات حبس برای آن پیش بینی گردیده، دو مرتبه یا بیشتر محکوم به حبس بیش از دو ماه شده و بعد از اجرای مجازات مرتکب جرم می‌شود که مستلزم مجازات حبس است و از این رو دادگاه تشخیص می‌دهد که مشارالیه دارای حالت خطرناک بوده و تمایل به ارتکاب جرایم داشته است. ژان پی ناتل[1] درباره ی این بزهکاران ایده ی خاصی دارد: ایشان معتقد است به جای آنکه اینان را تبهکار معتاد بخوانیم، بهتر است مجرم ناسازگار یا مجرمینی که کردار خود را با مقررات اجتماعی منطبق نکرده اند، بنامیم.

1. janpinatel

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

پرواضح است که تبهکاران اعتیادی مجرم می‌باشند زیرا مرتکب جرم شده اند اما بزهکارانی هستند که به جای تحمیل کیفر نیازمند اصلاح و درمان می‌باشند. کسی که برای نخستین مرتبه دست به ارتکاب جرم می‌زند و برابر موازین قانونی به مجازات می‌رسد یا قوادی که عادت به ارتکاب بزه پیدا کرده است، تفاوت دارد. در مورد بزهکار اول اعمال کیفر با نقش ارعابی و بازدارنده آن میتواند در تنبه شخص و خودداری وی از انجام مجدد رفتار ناقص قانون مؤثر واقع شود. لکن درمورد بزهکاری شخص دیگر چنین اقدامی صحیح نمی‌باشد زیرا با توجه به شرایط و اوضاع و احوالی که وی در آن قرار دارد تحمیل کیفر اثر مثبتی در وی نمی‌گذارد و مجازات به حال او مفید نخواهد بود. زیرا اگر چنین فایده‌ای از بکارگیری مجازات عاید می‌شد دیگر مسئله اعتیاد به جرم (با کیفیت کیفر زندان که در تعریف لحاظ شده است) مطرح نمی‌بود. بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که برای جلوگیری از ارتکاب مجدد از سوی وی بایستی از راه دیگری که مانع گرایش او به بزهکاری شود اقدام کرد و این طریقت همان درمان بزهکاران به عادت می‌باشد.

در ماده ۵ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی برای مداوای مجرمین اعتیادی مراکزی به نام تبعیدگاه در نظر گرفته شده است که این بزهکاران به منظور درمان و بازپروری به این مکان‌ها اعزام و در آنجا تحت مراقبت قرار گیرند .در پاره‌ای از قوانین جزایی دیگر نیز لزوم تبعید مجرمین به عادت و درنظر گرفتن تبعیدگاههایی برای این دسته از بزهکاران بیان شده است. از جمله این قوانین لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادین مصوب ۱۳۵۹ می‌باشد که در این باره چنین مقرر داشته است:

ماده ۲۲: دولت مکلف است ظرف سه سال درنقاط مختلف کشور تبعیدگاههای مذکور را برای مجرمین مواد مخدر و سایر مجرمین به عادت و خطرناک وبرای جامعه، تأسیس نماید.

ماده ۲۲۹ ق. م. ا. به کیفر تبعید اختصاص داردکه این ماده مرد مزدوج عروسی نکرده است که مرتکب جرم زنا شده است و حکم چنین فردی را علاوه بر حد جلد، تراشیدن سر و تبعید دانسته است. به موجب این ماده مردی که همسر دائمی دارد، هر گاه قبل از دخول، مرتکب زنا شود حدوی صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر، تبعید به مدت یک سال قمری است.

ماده ۲۴۳ ق. م. ا نیز بیان می‌دارد «حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد به تبعید تا یک سال نیز محکوم می‌شود که مدت آنرا قاضی مشخص می‌کند و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است.

ماده ۲۸۲ ق. م. ا به مجازاتهای چهارگانه برای شخص محارب تصریح نموده است که چهارمین کیفر نفی بلد یا تبعید است و مواد بعدی اعمال هر یک از این مجازات را به اختیار قاضی گذارده است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

احکام مجازات تبعید

کیفر تبعید احکام و شیوه خاص خویش را همانند بسیاری ازمجازات‌های دیگر برشمرده شده در قانون دارا می‌باشد. از جمله این احکام می‌توان به احکام موجود در مورد تبعید زنان و یا صغار اشاره نمود و در مورد شیوه و شرایط اجرای این حکم می‌توان از مکان، مدت و زمان تبعید سخن گفت که در این فصل به این مباحث پرداخته خواهد شد. ولی قبل از هر چیز در ابتدا به برخی جرایم حدی که حکم تبعید در مورد آن‌ها اجرا می‌شود می‌پردازیم. زنا، قوادی و محاربه از مواردی هستند که مجازات تبعید برای آنها در نظر گرفته شده است.

بررسی جرایم حدی

زنا

تبعید در زنا به معنای دور کردن شخص زنا کار از مکان اجرای حد زنا یا محل سکونت و یا محل وقوع زنا و به اعتقاد برخی از هر سه این مکان‌ها به مکان دیگری که حاکم تشخیص دهد می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸ ق، ص۳۰۷)در واقع منظور از تبعید زانی، دور کردن و الزام به سکونت در مکانی است که حاکم تعیین می کند نه نابود کردن یا صرف اخراج و یا حبس کردن وی.

قوادی

برخی در مورد تبعید قواد، قائل به حبس وی می‌باشند و به روایتی استناد می کنند که در آن منظور از تبعید حبس وی دانسته شده است و اندازه مدت آن در اختیار حاکم است ولی به اعتقاد برخی، التزام به این گفته ممکن است از باب غلبه باشد نه حصر، زیرا غرض از تبعید حضور نداشتن قواد در محل ارتکاب جرم قوادی است و این امر با حبس نیز محقق می‌شود. در نظری دیگر طبق آیات مرسله، منظور از تبعید اخراج مجرم از شهری به شهری دیگر است که این نظر خلاف نظر سابق است و که دلیلی بر رفع ید از ظاهر روایت که نشان دهنده اخراج از شهر می‌باشد، نیست و ظاهر روایت نشان دهنده مفهوم اصلی و اولیه تبعید است نه حبس و اگر منظور حبس باشد باید در روایت مطرح می‌شد یا دلیل دیگری در این مورد ارائه می گردید و همان طور که اشاره شد روایت موجود در این مورد، مرسله می‌باشد.

محاربه

در محاربه مفهوم نفی این است که شخص محارب را تعقیب کنند تا او را پیدا کرده و آنچه را که از مجازات‌های سه گانه پیش بینی شده در آیه ۳۳ سوره مائده، مستحق می‌باشد اجرا کنند. از شافعی نیز روایت شده که نفی، تعقیب محارب تا هنگام غلبه بر اوست. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷ ق، ص ۶۴۷) طبق نظری دیگر، منظور از نفی محارب، غرق کردن است که به صلب و قتل شبیه است. این تعریف از تبعید

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

محارب نیز مانند تعبیر قبلی به نظر بعید می‌باشد و نمی توان به صرف اینکه مجازات تبعید با سه مجازات دیگر هم سطح نیست، آن را به معنای غرق کردن و نابود کردن دانست. در مورد محارب با توجه به حرف «أو»در آیه شریفه نامبرده، قاعده اختیار حاکم صحیح است. به عبارتی بهتر است با توجه به میزان جنایت ارتکابی محارب برای او مجازات مناسبی در نظر گرفت. برخی نفی محارب را حبس او دانسته اند، زیرا انتقال او به شهری دیگر به تنهایی تبعید را کامل نمی کند جز با ایجاد محدودیت در آزادی تبعیدی تا به شهر باز نگردد. بنابر این باید در شهری غیر از شهری که محاربه در آن واقع شده، حبس گردد، همین طور حنفی‌ها نیز این نظر را قبول دارند چون معتقدند که امکان ندارد مراد معنای حقیقی نفی باشد، زیرا با توجه به آیه شریفه خروج از سرزمین خداوند محال است پس ناگزیر معنای مجازی آن مد نظر است و عقوبت و مجازاتی را اراده می کند که با حبس محقق می‌شود. (ابو زهره، محمد، العقوبه، قاهره، دار الفکر العربی، بی تا، صص۱۴۲-۱۴۳). علاوه بر این، تبعید مسلمان به خارج از سرزمین اسلام جایز نیست و اگر محارب آزاد باشد غرض از این مجازات محقق نمی شود زیرا دوباره مرتکب جرم می‌شود، پس باید زندانی شود و در نهایت تعبیر دیگری که برای نفی من الارض بیان شده است که محارب نباید در مکانی استقرار پیدا کند و مقری برای استقرار دایمی داشته باشد. در واقع منظور آواره کردن محارب می‌باشد، به طوری که در شهر او را ترک نکنند تا در آن مأوی گزینند و این حالت ادامه دارد تا اینکه قوت و قدرتشان از بین برود و حتی روایت شده که دلیل آزاری که رسانیده اند باید از بین بروند، طبق این نظر، مقتضی تبعید دوری و ابعاد می‌باشد و مکان اقامت تبعیدی مشخص نشده است، پس واجب است که اخراج و طرد مستمر شود تا اینکه توبه کند و به راه راست هدایت شود و یا در حالی که ترک شده است، از سرزمین اسلام خارج شود. اگر هم قصد سرزمین کفر کند او را از ورود به آن منع می کنند و اگر اهالی آن سرزمین مانع ورودش نشوند با آنها مبارزه می‌شود. این معنا از تبعید با عبارت «نفی من الارض» به این دلیل سازگار است که چون در جایی استقرار نمی یابد مانند بیرون رفتن از تمام زمین است. مشهور فقها نیز معتقدند که مراد از تبعید محارب آواره کردن دایمی اوست و همان طور که بیان شد به عبارت نفی من الارض نزدیک تر است البته به نظر برخی از فقها اگر این امر مفسده داشته باشد و حاکم شرع مصلحت را در حبس او بداند مانعی ندارد. زیرا مراد از تبعید تحت نظر قرار دادن تبعیدی است و اگر این امر متوقف بر زندانی کردن او باشد در محل تبعید زندانی می‌شود اما اگر مفسده‌ای در تبعید و آوارگی محارب نباشد به نظر می‌رسد بهترین تعبیر از تبعید، تعبیری است که مشهور فقها دارند.

ترتیب اجرای حکم تبعید

کیفر تبعید نیز مانند مجازاتهای دیگر دارای احکام جداگانه و خاصی است که با توجه به این احکام باید مجازات تبعید را علیه مجرم اعمال کرد لذا در این گفتار تلاش می‌شود که تمام احکام مربوط به کیفر تبعید مورد بحث و بررسی قرار گیرند. حکم مجازات تبعید، پس از قطعیت یافتن، با رعایت ترتیبات مربوط

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

به اجرای احکام به نیروی انتظامی اعلام می‌شود .ماموران نیروی انتظامی، به محض ابلاغ مراجع ذیربط، موظفند مفاد آن را به موقع اجراء گذارند .محکومان به تبعید تحت نظارت مأموران نیروی انتظامی به محل تبعید اعزام خواهند شد .چنانچه محکوم‌علیه درخواست عزیمت به طور شخصی به محل تبعید را داشته باشد؛ با موافقت دادگاه صادر کنندهٔ حکم، در محل مزبور حاضر خواهد شد و مکلف است به محض ورود خود را به طور حضوری به نیروی انتظامی محل معرفی نماید .در صورتی که اعزام یا عزیمت محکومان، به محل تبعید به علت عذر موجه از قبیل حوادث غیر مترقبه یا اضطرار ممکن نباشد، پس از رفع عذر یاد شده زیر نظر دادگاه اقدام بعمل خواهد آمد .شروع ایام محکومیت به تبعید، از روز معرفی در محل تبعید به نیروی انتظامی و یا حضور وی بر اساس اعزام محسوب می‌گردد .محکومانی که مخفی یا متواری باشند و یا پس از اعلام یا اخطار نیروی انتظامی از رفتن به محل تبعید امتناع نمایند، به وسایل ممکن دستگیر و تحت نظر و مراقبت مأموران نیروی انتظامی به محل تبعید اعزام خواهند شد .پس از ورود به محل تبعید، نیروی انتظامی محل موظف است نام محکومان به تبعید را در دفتر مخصوص ثبت نماید و تا پایان مدت محکومیت مراقبت‌های لازم را بعمل آورد و همچنین نیروی انتظامی محل تبعید مکلف است دادگستری محل، ادارهٔ اطلاعات و فرمانداری ذیربط را از حضور محکوم‌علیه مطلع نماید .نظارت بر حضور و فعالیت محکومان در محل تبعید به عهدهٔ نیروی انتظامی است و محکومان موظفند همه روزه خود را به پاسگاه یا کلانتری محل اقامت معرفی و دفتر مخصوص حضور و غیاب را امضاء نمایند[۲] .

در دادگستری کل استان‌ها، دفتری به منظور ثبت اطلاعات مربوط به محکومان به تبعید در حوزهٔ قضائی آن استان دایر می‌گردد .پس از صدور حکم قطعی تبعید، دادگاه صادر کنندهٔ حکم یک نسخه از دادنامه را به دفتر مزبور ارسال خواهد کرد .دادگستری کل استان پس از ثبت اطلاعات مربوط، مراتب را جهت اطلاع به دادگستری شهرستان محل تبعید اعلام می‌دارد .نیروی انتظامی محل تبعید مکلف است به محض اطلاع از خروج غیر مجاز محکوم‌علیه از محل مراتب را سریعاً به دادگستری محل گزارش دهد تا حسب مورد از طریق رئیس دادگستری موضوع به دادگاه صادر کنندهٔ حکم اعلام گردد .کسانی که به تبعید محکوم شده اند، چنانچه قبل از پایان مدت محکومیت از محل تبعید خارج شوند، توسط دادگاه صادرکنندهٔ حکم بر حسب قوانین جاری نسبت به آنان اقدام خواهد شد .که این موضوع با نظر دادگاه بدوی صادر کننده حکم یا قائم مقام وی می‌باشد.[۳]

---

۱. مواد ۱ تا ۵ آئین نامه اجرائی تبصره ماده ۲۹۷ قانون آئین دادرسی عمومی وانقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۰/۶/۱۴.

۲. ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چنین مقرر می دارد:

«چنانکه محکوم طی مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت ننماید، دادگاه صادر کننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای بار اول مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک سوم افزایش می دهد و در صورت تکرار، بقیه مدت محکومیت را به حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت تبدیل می کند. همچنین بعد از گذشت نیمی از مجازات تکمیلی، دادگاه می تواند با پیشنهاد قاضی اجرای حکم در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی وی اقدام کند.»

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و در مواد ۵۴۵ / ۵۴۶[۴]صراحتاً بیان نموده است که نظارت بر حضورو فعالیت محکومان در تبعید بر عهده قاضی اجرای احکام محل اجرای حکم می‌باشد و نیز در صورتی که شخصی از محل تعیین شده اخراج می شود مراتب به نیروی انتظامی محل وسایر نهادهای مرتبط ابلاغ می‌شود.

به منظور حفظ تعادل و توازن در اعزام افراد تبعیدی به شهرهای مختلف، وزارتخانه‌های دادگستری، کشور و اطلاعات تبادل نظر و هماهنگی خواهند نمود .شورای امنیت کشور فهرست شهرستان‌هائی را که امکان تبعید محکومان به آنجا میسر نیست را اعلام خواهد کرد .اشتغال محکومان به تبعید به شغل یا حرفهٔ معین و مناسب در محل اقامت، مطابق قوانین و مقررات بلامانع می‌باشد و نیز مستند به مادهٔ ۵۴۷ آیین دادرسی کیفری جدید قاضی اجرای احکام کیفری محل اجرای حکم تبعید در صورت ضرورت و با اخذ تأمین متناسب به محکومان تبعید مرخصی اعطا می نماید.

هزینه اعزام و اجرای احکام دادگاه‌ها از محل اعتبارات قوهٔ قضائیه تأمین و بر طبق قوانین و مقررات به نیروی انتظامی پرداخت می گردد.

در کشور فرانسه نیز ترتیباتی برای اجرای حکم تبعید وجو دارد که شرایط به قرار ذیل می‌باشد:

۱- تعدادمحکومیت

۲- ارتکاب جرایمی که تکرار آن جرم محسوب می‌شود.

۳- حداکثر مدت

۴- مهلت اجرای قانون قیمومت کیفری درباره محکومین به تبعید سابق

هرگاه بزهکاری که بیش از ۲۱ سال تمام دارد در مدت ۱۰ سال از روز آزادی آخرین محکومیت خود جرایمی را که ذیلاً مورد بحث قرار خواهد گرفت مرتکب شود و تعداد محکومیت جنایی یا چهار محکومیت جنایی و جنحه‌ای باشد دادگاه می‌تواند حکم به اجرای رژیم قیمومت کیفری صادر نماید. جرایم مثل جرم بر ضد اموال، جرایم بر ضد عفت عمومی مثل هتک حرمت ناموس اطفال کمتر از ۲۱ سال، دایر کردن فاحشه خانه، قوادی و تشویق به فساد اخلاقی، جرایم بر ضد اشخاص مثل ضرب و شتم با اسلحه سرد یا گرم، مشمول مورد تعدد جرم هستند.

بررسی مکان در تبعید

در مورد چگونگی تعیین مکان تبعید میان علماء و حقوق دانان اختلاف نظرهایی وجود دارد برخی تعیین شهر محل تبعید را در اختیار حاکم قرار داده اند یعنی به این صورت که قاضی در این باره تصمیم گیرنده است و قاضی دادگاه، شهر محل تبعید را مشخص می‌کند ولی در این باره با روایاتی مواجه هستیم که جای

---

۱. مادهٔ ۵۴۵ «شخصی که به تبعید یا اقامت اجباری محکوم شده است به دادسرای محل اجرای حکم اعزام می شود». ماده ۵۴۶« نظارت بر حضور و فعالیت محکومان به محل تبعید یا اقامت اجباری بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری محل اجرای حکم است. »

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

تامل دارند از جمله این روایات روایت سماعه است. با مفهوم روایت سماعه که این مسئله از آن برداشت می‌شود که مجرم را از شهری که جرم را در آن شهر مرتکب شده تبعید می‌کنند (شیخ طوسی – التهذیب ج ۱۰ ص ۳۵ حدیث ۱۱۹) بایستی اذعان شود که حاکم نمی تواند مجرم را به شهری که در آن شهر بخشی از مجازات خویش را متحمل شده به عنوان مثال در آن جا شلاق خورده یا در آن شهر جرم را مرتکب شده است تبعید کند. علمای اهل سنت به طور اطلاق و حضرت امام خمینی (ره) و سبزواری به این نظر اعتقاد دارند. برخی همچون علامه حلی (علامه حلی، پیشین ص ۲۵۵) اعتقاد دارند که تعیین شهر محل تبعید به عهده و خواست مجرم است نه حاکم و تنها این وظیفه را بر دوش حاکم و قاضی می‌دانند که فقط می‌تواند مجرم را از شهر خویش تبعید نماید. این اشخاص نیز برای اثبات نظر خویش به روایت سماعه رجوع می‌کنند. در این روایت آمده است که امام فرموده است حاکم فقط می‌تواند مجرم را از شهر اخراج کند و دیگر حق تعیین شهر را ندارد.

در مورد خصوصیت شهری که توسط حاکم به عنوان شهر محل تبعید تعیین می‌شود باید گفت که اطلاقات روایات دال بر این امر هستند که شخص تبعیدی را از شهرش بیرون می‌کنند و به شهر دیگری می‌فرستد و دیگر به خصوصیت آن محل نپرداخته اند و لکن فقهاء می‌فرمایند مکانی را که به عنوان محل تبعید در نظر می‌گیرند باید محلی باشد که دارای سکنه است و مردم در آنجا زندگی می‌کنند و شخص تبعیدی بتواند احتیاجات اولیه خود را در آنجا برطرف کند و سزاوار نیست که متهم را به اماکنی تبعید کنند که از این امور خالی باشد و همینطور نظر علماء بر این است که تبعید به مناطقی که فوق العاده سرد و یا گرم است و یا مناطقی که امراضی مانند طاعون در آن مناطق شیوع دارد، جایز نیست.

آیت الله فاضل لنگرانی نیز می‌فرمایند: تبعید باید به شهری باشد که محل اقامت جماعتی است که در آنجا سکونت داشته باشند. (محمد، فاضل لنکرانی – پیشین ۱۸۴)

البته آنچه امرزوه در رویه قضایی ما متداول است این است که مجرمین را به شهرهایی که بد آب و هوا هستند تبعید می‌کنند و اصولاً شهرهایی که توسط قانونگذار به عنوان شهرهای محل تبعید در نظر گرفته شده اند، بلادی هستند که از لحاظ امکانات در سطح بسیار وسیعی قرار دارند که این خود یک ایراد بسیار بزرگ به دستگاه قانونگذاری درتعیین این شهرها است.

در قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران قانونگذار شهرهایی به عنوان شهرها محل تبعید انتخاب کرده است. در سالهای گذشته شهرهای زیادی جزء شهرهای محل تبعید محسوب می‌شدند و مثلاً شهرهایی مثل شهر مقدس قم نیز جزء این دسته از شهرها بودند اما از آنجایی که بعضی از شهرهای مشمول دسته فوق از نظر موقعیت اجتماعی دارای موقعیت مناسبی شده اند لذا قانونگذار در تبصره جدیدی برخی از شهرهای مشمول دسته فوق را حذف کرده و شهرهای دیگری را به آن دسته اضافه نموده است

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

طبق تبصره الحاقی به ماده ۱۹ ق. م. ا سابق قانونگذار ۴۸ شهر را به عنوان شهرهای محل تبعید انتخاب کرده بود و محاکم قضایی هنگام صدور حکم تبعید باید مجرمین را به یکی از این ۴۸ شهر ذکر شده در قانون، تبعید می‌نمودند.

البته در بعضی از موارد دیده شده است که در حکمی آمده که مجرم به شهر دیگر هم غیر از ۴۸ شهر ذکر شده تبعید کرده اند و در این گونه موارد دادگستری شهری که مجرم به تبعید در آن هر محکوم شده ارسال می‌دارد که این شهر جزء شهرهای تبعیدی نیست لذا دادگاه باید یک شهر را به عنوان شهر محل تبعید انتخاب می‌نمود. همچنانکه در یک پرونده‌ای در رابطه با جرم رابطه نامشروع دادگاه حکم به تبعید مجرم به مدت ۴ ماه در شهرستان ایران شهر زاهدان صادر کرده بود واز دادگستری آن شهرستان جواب می‌آید که طبق مصوبه جدید شورای امنیت کشور این شهر جزء شهرهای محل تبعید نیست لذا دادگاه حکم تبعید مجرم به شهرستان برازجان را صادر می‌کند.

البته مواقعی هم است که به دلیل موارد امنیتی دادگاه حکم تبعید به شهرستانی را لغو و دستور تبعید به شهرستان دیگر می‌دهد مثل موردی که مجرمی به شهرستان خلخال تبعید شده بود و طبق گزارش نیروی انتظامی محل چون در آن شهرستان آشوب بود لذا دادگاه دستور تبعید به خلخال را لغو و دستور تبعید به اردبیل را صادر کرده بود لازم به ذکر است که ضمن مصوبه ۷۸/۸/۱۱ هیأت دولت درخصوص شهرهای تبعیدی قانون می‌گوید که چون اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی شهرها مرتباً درحال تغییر و تحول است لذا پیشنهاد می‌شود پس از ۱۰ سال در تعیین نقاط محل تبعید تجدید نظر شود.

رویه قضایی تا این اواخر به این ترتیب بود که مجرمین را به یکی از این ۴۸ شهر تبعید می‌کردند اما اخیراً با اعتراض نمایندگان شهرهایی که در قانون به عنوان شهرهای محل تبعید معین شده بودند طبق بخشنامه جدید مقرر شد که قاضی دادگاه هر شهری را که صلاح بداند می‌تواند مجرم را به آن شهر تبعید کند.

در تبصره ۳ ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است که «آئین نامه راجع به کیفیت اجرای مجازات تکمیل ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.»

بررسی مدت زمان اقامت مجرم در تبعیدگاه

مجرم به عادت در صورتی که مجازات وی برای اقامت در تبعیدگاه کمتر از سه سال باشد، بایستی حداقل به مدت ۳ سال و در صورتی که که مجازات تعیین شده برای بزهکار بیش از ۳ سال باشد، بایستی دست کم به میزان مجازات تعیین شده در محل تبعید باقی بماند و در صورت اثبات حسن نیت و بهبودی رفتار او پس از اتمام مدت محکومیت، با پیشنهاد مدیر مرکز تبعید و تقاضای دادستان و صدور حکم آزادی مشروط از طریق محکمه رسیدگی به جرم، این بزهکار به طور مشروط آزاد می‌گردد که مدت این آزادی مشروط از ۳ سال تجاوز نمی‌کند. اگر بزهکار در طی این مدت مرتکب جرمی گردد یا مقررات تعیینی از

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

سوی محکمه را نقض نماید مجدداً با حکم دادگاه به محل تبعید بازگردانده خواهد شد و مجرم برای استفاده از آزادی مشروط به طور مجدد ملزم به اقامت مدت ۱۰ سال در محل تبعید است ولی در صورت عدم ارتکاب جنحه یا جنایتی در ظرف ۳ سال آزادی مشروط خود به طور مطلق آزاد می‌گردد.

معضلات و نواقص اجرایی کیفر تبعید

تحولات کنونی جهانی موضوع تبعید و اقامت اجباری و ممنوعیت از اقامت را به طورکلی تغییر داده است، چرا که از نظر حقوق بین الملل مسئله تبعید به خارج از مملکت که عبارت از فرستادن مجرمین خطرناک به کشور دیگری است، یک مسئله مشکل و غیرقابل قبول می‌باشد لذا مجرمین خطرناک را به خارج از کشور نمی توان تبعید کرد و اگر بخواهیم کیفر تبعید را علیه آنها اعمال کنیم، مجبوریم آنها را به شهرهای داخلی کشور تبعید کنیم که در این صورت مشکلات فراوانی برای مردم ساکن شهرهای محل تبعید درست می‌کند. در رابطه با تبعید به خارج از کشور در صورت صدور چنین حکمی از سوی محکمه داخلی، نوعی تعارض و تداخل صلاحیت ایجاد می‌شود زیرا محاکم هر کشوری حدود و صلاحیت خود را دارا هستند و کسی نمی تواند در این صلاحیت دخالت کند. دراین رابطه بهتر است کمی به دوران قبل از انقلاب برگردیم یعنی دورانی که در زمان طاغوت مجرمین خطرناک را به شهرهای دور افتاده و محروم تبعید می‌کردند. در دوران رژیم پهلوی برنامه این بود که نمی خواستند مردم مناطق عقب افتاده و بد آب و هوا رشد بکنند و هدفشان آن بود که آنها در همان فقر و محرومیت و تنگدستی باقی بمانند. هر مجرم در دوران محکومیتش با افراد خلافکار و مجرم محل تبعید ارتباط برقرار نموده و چه بسا در اثر چند سال توقف در آن شهر دیگر تمایلی به بازگشت به وطن خود را نداشت و درهمان جا می‌ماند و ازدواج می‌کرد و زمانی می‌شد که همان مجرم تبعیدی طی گذشت سالیان متمادی دوران محکومیتی برای خودش منزلتی پیدا کرده در همان شهر محل تبعید سکونت می‌گزید.

سابقاً و در ماده ۸ آئین نامه اجرای قانون اصلاح تبصره ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ درکشور پهناور اسلامی ما نقاطی وجود داشت که بنا به علل متعدد و متنوعی طعم تلخ محرومیت را چشیده و متأسفانه بسیاری از شهرهای فاقد امکانات در مصوبه شورای امنیت کشور جزء شهرهایی بودند که به عنوان محل تبعید مجرمین در نظر گرفته شده بودند. لازم به ذکر است که آئین نامه اجرائی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی هنوز تصویب وابلاغ نگردیده است. که این مسئله از یک سو به خصوص باعث می‌شود که با اجرای تبعید معمولاً محکومان شغل و حرفه اصلی خود را از دست داده و احتمالاً برای مدتی طولانی سربار جامعه شوند. از سویی دیگر حضور فیزیکی این افراد چه با فرض عینیت یافتن موضوعات فوق و چه در غیر آن صورت و عدم صحت نظرات ذکر شده به خودی خود، به لحاظ به وجود آمدن ارتباطی با حتی تعداد انگشت شمارش از ساکنین اثراتی را باقی می‌گذارد و تعدد و تسلسل سیر تبعیدی‌ها بالطبع اثرات منفی خاصی را به دنبال دارد. همچنین معرفی مناطق محروم به عنوان تبعید مجرمین، افکار نیروها و شاغلین

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

غیربومی را مشوش و موجب ایجاد ذهنیات منفی خواهد شد و چه بسا نیروهای زیادی به علت برداشت تصورات نادرستی، انگیزه و رغبت لازم برای خدمت درمناطق محروم را از دست می‌دهند و مسلماً نقطه‌ای که برای مجرمین تحت عنوان محل تبعید، محل خوب و مناسبی نباشد، بالطبع برای نیروهای کارآمد و خدمت گزار جای خوبی به حساب نمی آید.

در نظام جمهوری اسلامی ایران که رشد و شکوفایی نقاط دور افتاده و روستایی از هر حیث مورد عنایت قرار می‌گیرد و برنامه ریزی‌ها و عملکردها دراین راستا جهت گیری می‌شود، می‌بایست ظرافت‌ها و حساسیت‌های بیشتری در انجام کلیه امور و موضوعات اجتماعی و سیاسی اعمال شود و چنانچه عرف و عادات و یا حتی قانونی در صحه گذاری بر پاره‌ای برداشت‌های ناحق دخیل است، اصلاح شده و در صورت شروع سرفصل قانونی و یا حقوقی جدید، یک عزم ملی و یا دولتی در تغییر آن احساس می‌شود و نظر قانون گذار باید به این امور معطوف شود تا بتوان ارزش‌های اصیل و والای این نظام را تبیین کرد. به هر حال بعضاً از سوی قضات محترم افرادی متختلف و معتاد به تناسب جرم و به استناد قوانین به نقاط محروم و دور افتاده که در عین حال بکر و از فضا و جوی پاک و سالم برخوردار می‌باشند، تبعید می‌شوند که حضور این افراد مخصوصاً معتادین ولگرد در شهرهای محل تبعید که فاقد امکانات هستند، همان مشکلاتی را که در گذشته برای این شهرها درست میکرد امروزه نیز مردم این شهرها را با این مشکلات گریبان گیر می‌کند، چرا که اولاً مجرمانی که با چوب قانون به مناطق محروم رانده می‌شوند حتی بر فرض اطمینان از اصلاح شدن بعد از اجرای حکم، به علت کوچک بودن منطقه و ارتباط خاص اجتماعی و عدم همخوانی با وضعیت دادگاه مجرم و همچنین محرومیت و نبود زمینه اشتغال کسب درآمد یا مشکلات متعددی در جهت کسب معاش و گذراندن زندگی مواجهه می‌شوند و ضریب گرایش مجدد آنها به خلاف کاری، به مراتب افزایش می‌یابد.

مهمترین اشکالات موجود در تبعید مجرمان، محل تبعید را به شرح ذیل می توان بیان نمود:

الف) عدم اخذ تامین متناسب

از جمله اشکالاتی که می‌توان به اجرای کیفر تبعید وارد کرد این است که اگر برای اجرای مجازات تبعید تأمین اخذ نشود، آن وقت ضمانت اجرای حکم تبعید چه می‌شود به عبارت دیگر چطور مطمئن باشیم که شخص تبعیدی به طور کامل تا پایان مدت تبعید در شهر محل تبعید باقی می‌ماند. چرا که وقتی مجرم تبعیدی در نزد دادگاه تأمین گذاشته باشد آن وقت می‌داند که با فرار او از شهر محل تبعید، تأمین او به اجراء گذاشته می‌شود و گرفتاری‌های زیادی را به دنبال دارد. لذا با گذاشتن قرار تأمین در نزد دادگاه می‌توان تا حدودی جلوی فرار مجرمین به تبعید را گرفت. البته اشکال دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر از مجرم تأمین اخذ شود و اخذ تامین موجب زندانی شدن محکوم علیه شود، آن وقت این سوال پیش می‌آید که در این صورت حکم چگونه اجرا می‌شود مگر اینکه بگوئیم، دراین صورت مجرم

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

تبعیدی را در شهر محل تبعید حبس کند که این جواب در صورتی صحیح است که مجازات حبس علیه مجرم علی حده و جدا نباشد چرا که در غیر این صورت مجرم باید کیفر حبس خود را جدا از تبعید تحمل کند.

ب) فرار مجرمین به تبعید از محل تبعیدگاه

یکی دیگر از مشکلاتی که درمورد اجرای کیفر تبعید وجود دارد این است که بارها مشاهده شده که محکومان به تبعید در نیمه راه اجرای حکم تبعید، اقدام به ترک محل نموده و پرونده‌های بسیاری را در این زمینه برای همیشه مفتوح گذاشته اند و یا گاهی متهمی پس از فرار از محل تبعید به اجرای احکام مراجعه می‌کند و با توجه به وضعیت بد مالی عاجزانه از دادگاه درخواست می‌کند که بقیه مجازات تبعیدش به زندان تبدیل شود چرا که به عقیده او در حبس و زندان دست کم امنیت جانی و مکان و غذا و استراحتگاه دارد.

ج) فروپاشی بنیان خانواده

یکی دیگر از مشکلاتی که در راستای اجراء کیفر تبعید می‌باشد این است که در برخی موارد که کیفر تبعید به عنوان یک کیفر تعزیری علیه مجرم اعمال می‌شود، دور بودن مجرم از خانواده خود باعث فروپاشی بنیان خانواده او می‌شود همان‌طور که در برخی از پرونده‌ها نیز ملاحظه شد مجرم تبعیدی از دادگاه تقاضا می‌کند که چون دوری من از خانواده ام موجب این شده که همسرم تقاضای طلاق کند لذا از دادگاه می‌خواهد که حکم تبعید او را به جزای نقدی تبدیل کند. پس بهتر است قضات درمورد مجرمین آبرومند به جای صدور حکم تبعید حکم جزای نقدی صادر کنند چرا که در غیر اینصورت ممکن است بسیاری از خانواده‌ها دچار اختلاف شوند و بنیان این خانواده‌ها از هم فرو می‌پاشد.

د) امکان توطئه مجرمین محارب

در مورد تبعید محاربین این اشکال وارد است که با توجه به شرایط زمانی و مکانی امروز و با توجه به رشد تکنولوژی و گسترش صنعت ارتباطات، تبعید این چنین مجرمانی ممکن است موجب توسعه توطئه‌های محاربین شود، چرا که وقتی شخص محارب را به شهری تبعید می‌کنند و هم دستان او را به شهرهای دیگر تبعید کند، اینها می‌توانند با وسایل ارتباطی مدرن به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و هدف‌های شوم خود را دنبال کنند. پس تبعید مجرم محارب چنین خطر بزرگی را برای امنیت کشور به همراه دارد.

از آنجا که در نظر صریح قرآن چهار کیفر برای شخص محارب تعیین شده است و قائل به اختیار قاضی در انتخاب یکی از این چهار مجازات هستیم، لذا بهتر است که قضات محترم در مورد مجرمین محارب یکی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

از کیفرهای تصریح شده دیگر را انتخاب کنند و در این مورد که می‌توان به راحتی راه حل قانونی پیدا کرد حتی الامکان حکم تبعید را علیه مجرمین محارب صادر نکنند.

نتیجه‌گیری

مجازات تبعید به عنوان یک کیفر حدی علیه مجرم اعمال خواهد شد مانند کیفر شخص محارب یا زانی غیرمحصن یا قواد، اما در مواردی که نص صریح برای اعمال کیفر تبعید علیه مرتکب جرم وجود ندارد، در اینگونه موارد به استناد ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ کیفر تبعید به عنوان یک مجازات تعزیری تکمیلی علیه مجرمین اعمال خواهد شد. مکان تبعید و مدت و زمان تبعید و مقدار مسافت تبعید نیز به طور جامع و مبسوط مورد بحث و بررسی قرار گرفته و با توجه به احکام خاص کیفر تبعید، چگونگی اعمال این کیفر مورد مطالعه قرار گرفت. به طور مثال می‌توان گفت که از جمله احکام خاص کیفر تبعید، عدم اعمال این کیفر علیه مجرمین زن است چرا که با توجه به دلایلی که در جای خودش بیان کردیم اعمال این کیفر علیه زنان مترتب بر مفاسدی است که اگر زن را تبعید کنیم نه تنها به مصلحت جامعه نیست بلکه مفاسد مترتبه بر آن بیشتر از مصالح آن است اما با توجه به تحولات رو به رشد صنعت حمل و نقل و ارتباطات جمعی و پیشرفت قابل ملاحظه رسانه های جمعی و ارتباطات مخابراتی و رایانه ای و بررسی رویه قضایی کشورمان به این نتیجه رسیدیم که اجرای کیفر تبعید با معضلات و نواقصی مواجه است که مانع اجرای موثر این مجازات می‌شود فلذا مناسب است راهکارهایی که به نظر نگارنده در راستای اجرای کیفر تبعید اتخاذ نمود را برشمرده و مختصراً بررسی نماییم.

یکی از کارهایی که می‌توان در رابطه با اجرای مطلوب کیفر تبعید انجام داد این است که وقتی مجرم به شهر محل تبعید اعزام می‌شود و توسط مأمور به حوزه انتظامی محل تبعید معرفی می‌شود از آن زمان به بعد در آزادی کامل نباشد بلکه دائماً تحت مراقب باشد و تمام اعمال و رفتارهای او تحت کنترل دقیق قرار گیرد.

از جمله کارهای دیگر که می‌توان برای پیشگیری از فرار مجرمین انجام داد این است که خصوصیات و عکس مجرمین تبعیدی را به تمام مراکز حمل و نقل شهر محل تبعید و بلکه تمام کشور اعلام کنیم.

همچنین در مواردی که دادگاه تشخیص بدهد تبعیدی ممکن است از محل تبعید فرار کند می‌تواند از ابتدا حکم حبس در تبعید را در مورد او صادر کند تا از ابتدای مدت تبعید تا پایان مدت آن در زندان شهر محل تبعید باشد. کما اینکه در بررسی پرونده‌های مربوط به کیفر تبعید در چندین مورد دیده شد که قاضی دادگاه حکم حبس در تبعید را برای مجرمین تبعیدی صادر کرده بود. البته شخص قاضی باید کاملاً به خصوصیات شخصیتی مجرم توجه کند و در مورد مجرمین خطرناک که خصوصیات خطرناک بودن در آنها مشهود است و آزاد بودن آنها در محل تبعید برایمردم آن محل مشکل آفرین است، شخص قاضی می‌تواند حکم حبس در محل تبعید را علیه مجرم صادر کند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

فهرست منابع و مآخذ

**قرآن کریم

ـ اردبیلی، محمد علی، (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، چاپ ششم، تهران، انتشارات میزان.

ـ آشوری، محمد، (۱۳۷۶)، عدالت کیفری، تهران، انتشارات گنج دانش.

ـ ایمانی، عباس، (۱۳۸۲)، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، چاپ چهاردهم، تهران، آریان.

ـ برنار، بولک، (۱۳۸۵)، کیفرشناسی، مترجم علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجمع علمی و فرهنگی مجد.

ـ جعفری لنگردی، محمد جعفر؛(۱۳۸۳)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چ ۱۴.

ـ حرعاملی، حسن، (۱۳۸۷)، وسایل الشیعه، مصحح محمد رازی (بیروت، دارلاحیاء التراث، ق) ج ۱۸، حدیث ۸ از باب ۷ حد زانی

ـ خامدا، علی رضا، (۱۳۷۲)، اقدامات تامینی و تربیتی و جایگاه آن در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران.

ـ خویی، ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، بیروت، دارالزهرا، ج ۱، بی تا

ـ دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۰)، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات گلشن.

ـ رهامی، مصطفی، (۱۳۷۹)، اقدامات تأمینی و تربیتی در قران و سنت، مجله ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، شماره۱۵۵.

ـ زین الدین جبل عاملی (شهید اول)، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، روضهٔ البهیه، جلد نهم، بیروت، دارالعالم الاسلامی

ـ شمس ناتری، محمد ابراهیم، قنبریان بانویی، منصوره، (۱۳۹۰)، مفهوم و ماهیت شناسی تبعید، آموزه‌های کیفری، دانشگاه علوم رضوی، دوره جدید، شماره ۲.

ـ شیخ طوسی، خلاف، قم، مؤسسه نشر اسلامی، جلد پنجم، ۱۴۱۶ ق

ـ شیخ طوسی، نهایه، بیروت، دارالکتب العربیه، ۱۴۰۰ ق

ـ شیخ طوسی مقنعه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۹۰ ق

ـ شیخ طوسی، (۱۳۵۹)، المبسوط، تهران، مکتبه المرتضویه، جلد هشتم.

ـ صابونی، محمدعلی، (۱۴۰۶ق)، روائع البیان، بیروت، عالم الکتب، جلد دوم.

ـ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، مکتبه المرتضویه، جلد اول

ـ فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۲۷ق)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، الحدود، الطبع، الثانیه، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار.

ـ معین، محمد؛(۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی معین، تهران، سرایش، چاپ سوم

ـ مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه، (۱۴۱۸ق)، کتاب احدود و التعریزات، تحقیق و تعلیق ابراهیم بهادری، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]